

معنویت‌های نوین (بدیل)

چکیده

جنبش‌های دینی نوین و معنویت‌های بدیل در دین‌پژوهی مدرن باعث تضعیف خوانش‌های دینی بومی، رواج کثرت‌گرایی دینی و، در نتیجه، تزلزل جایگاه اعتقاد دینی مردم در ایران و بسیاری از کشورها شده است. رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید:

"از اشاعه بی‌بند و باری و اباحی‌گری تا ترویج عرفان‌های کاذب - جنس بدلی عرفان حقیقی - تا ترویج بهائیت تا ترویج شبکه کلیساهای خانگی؛ اینها کارهایی است که امروز با مطالعه و تدبیر و پیش‌بینی دشمنان اسلام دارد انجام می‌گیرد؛ هدفش هم این است که دین را در جامعه ضعیف کند." (سخنرانی رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجتماع مردم قم، ۲۷ مهر ۱۳۸۹).

مقدمه

نمونه‌هایی از ادیان جدید (آیین بهائی) جنبش‌های دینی نوین (مسیحیت تبشیری) و معنویت‌های بدیل (عرفان‌های کاذب) با بی‌بندوباری بسیار نزدیک هستند، و این چیزی است که با تحولات جهان معاصر و دین‌پژوهی مدرن پدید آمده است اما از یک نگرانی پرده بر می‌دارد: تضعیف خوانش‌های سنتی و ایمانی شیعی، رواج کثرت‌گرایی دینی و، در نتیجه، تزلزل جایگاه اعتقادات دینی در کشور. (در دیدار مقام معظم رهبری از نمایشگاه کتاب تهران، جانشین مدیر مسئول انتشارات ققنوس نسخه‌ای از کتاب سیری در ادیان جهان (سروراستار: کریستوفر پارتریج، مترجم: عبدالعلی هراتی، تهران: ققنوس، ۱۳۹۱) را به ایشان هدیه داد. مرور گزارش‌های خبری انتشار یافته درباره دیدار رهبر انقلاب اسلامی از دوره‌های مختلف نمایشگاه کتاب تهران نشان می‌دهد که این اثر دین‌پژوهی که در سال‌های اخیر به دست ایشان رسیده، بسیار مورد توجه آن جناب قرار گرفته است. نسخه فارسی این کتاب از تغییر در امان نمانده است، به گونه‌ای که علاوه بر حذف و تغییر عبارت‌های گوناگون در این جا و آن جای متن فارسی، یک فصل نسخه اصلی انگلیسی کتاب، که به آیین بهائی اختصاص دارد، و بخش دیگری که به هولوکاست می‌پردازد، در ترجمه فارسی حذف شده و این نشان می‌دهد که برخی از این جریانات با معنویت نسبتی نداشته‌اند که مترجم برگرداندن آنها را صلاح ندانسته است.)

رسانه‌های دولتی، نیمه‌دولتی و شبه‌دولتی، از منابر مساجد و حسینیه‌ها و حوزه‌ها گرفته تا روزنامه‌ها و شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی، وبسایت‌ها، وبلاگ‌ها و شبکه‌های اجتماعی، کتابها و نشریات، در باره عرفان‌های کاذب/ وارداتی/ انحرافی/ نوظهور یا "عرفان‌واره‌ها" و "شبه‌عرفان‌ها" گزارشهایی را ارائه می‌کنند.

وزارت اطلاعات قسمتی به نام "میز فرق ادیان" را تأسیس کرده که نقش بسیار فعالی در مبارزه با این گروه‌ها دارد. افزون بر این، در گوشه و کنار کشور هم نهادهای گوناگونی برای مبارزه با "عرفان‌های کاذب" پدید آمده‌اند. در یک دهه گذشته در قم حداقل پنج نهاد فرهنگی تأسیس شده که به تألیف و ترجمه آثاری علیه عرفان‌های انحرافی مشغول هستند. حوزه علمیه قم نیز بخشی به نام فرق و ادیان تأسیس کرده که همایش‌ها و کارگاه‌های پرشماری را در سراسر کشور برگزار می‌کند.

وزارت کشور و سازمان بسیج مستضعفین هم دو اداره مبارزه با "عرفان‌های کاذب" تشکیل داده‌اند. نهادهای قضائی و امنیتی کشور نه تنها صدها تن از پیروان معنویت‌های نوین بلکه برخی از رهبران این گروه‌ها/جنبش‌ها، از جمله محمد علی طاهری (بنیان‌گذار "عرفان حلقه") را به انجام جرایمی محکوم و بعضی دیگر، از جمله کریم زرگر (بنیان‌گذار "راه معرفت") و مروّج جنبش معنوی "اکنکار" را مجازات کرده‌اند.

تعریف معنویت‌های نوین

این‌ها جنبش‌هایی هستند که به طور برنامه‌ریزی شده و با کنار گذاشتن بخشی از باورها و ارزش‌های تمدن مادی در واکنش به مقتضیات مدرنیته به وجود آمده‌اند.

مفاهیم جامعه‌شناختی نظیر فرقه، کلیسا، جنبش دینی نوین، دین جدید، دین جهانی، و معنویت نوین/ بدیل/ شخصی/ زندگی، ابزارهایی اکتشافی برای مطالعه گروه‌های دینی و معنوی هستند. باید به خاطر داشت که اینها "نمونه‌هایی آرمانی" اند که به مثابه ابزارهایی تحلیلی برای مقایسه پدیده‌ای واحد با دیگر پدیده‌ها یا با خودش در گذر زمان به کار می‌روند. گرچه واقعیت فی‌نفسه محتوای نمونه آرمانی را تعیین نمی‌کند، اما ممکن است به آن اشاره کند. هر چند قرار نیست که دانشمندان علوم اجتماعی در باب صدق یا کذب یک نمونه آرمانی سخن بگویند اما باید دل‌نگران سودمندی‌اش باشند (آیلین بارکر ۱۹۹۴، ص ۹۹).

بنابراین، برای مطالعه هر گروهی باید به ویژگی‌های خاص آن گروه در هر مسئله توجه کرد (کیت ای. رابرتس ۲۰۰۴، صص ۱۹۶-۱۹۵). همچنین باید میان تعاریف گرایشی و گزارشی تمایز گذاشت. دسته اول گزاره‌های "کم و بیش صحیح" درباره معنایی هستند که مردم از مفهومی خاص اراده می‌کنند اما دسته دوم ابزارهای روش‌شناختی "کم و بیش مفیدی" اند که جامعه‌شناسان به کار می‌برند (بارکر ۱۹۹۴، ص ۹۸). گرچه مرزهای مفهومی برای کارکرد سامان یافته هر جامعه‌ای ضروری اند اما به شیوه‌ای "کم و بیش دلخواه" به دست مدیران جامعه ترسیم می‌شوند. باید دریابیم که تعاریف، مبتنی بر کنترل اجتماعی و روابط قدرت اند. دانشگاهیان و پژوهشگران، کارگزاران کنترل اجتماعی اند که ابزار تعریف و مشروعیت‌بخشی به موضوعات مورد مطالعه خود را در اختیار دارند (رابرتس ۲۰۰۴، ص ۱۹۱). مثلاً در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ جامعه‌شناسان ژاپنی مسیحیت را دینی رسمی وادیان ژاپنی جدید را "شبه‌دین"، "جعلی"، "کاذب"، "بیگانه" و "وارداتی" می‌شمردند. (ایان ریدر، ۲۰۰۵، ص ۸۶).

امروزه پژوهشگران دریافته‌اند که تعریف گروه‌های دینی جدید در قالب کیش‌های "انحرافی" از جانب بعضی گروه‌های اجتماعی است که به انواع مختلف توانایی صدور حکم را دارند (تامس رابینز و دیوید بروملی ۱۹۹۱، صص ۱۹۷-۱۸۸). در مقایسه نگرش‌های موجود به بهائیان در کشورهای غربی و اسلامی، آلن آلدريج نشان می‌دهد که هیچ کوششی جهت "تمایز ساختن دین اصیل از کاذب" موضوعی صرفاً دانش‌پژوهانه نیست. در حالی که کشورهای غربی آیین بهائی را دینی صلح‌دوست، قانون‌پذیر و سهم در انسجام اجتماعی تلقی می‌کنند، اکثر جوامع اسلامی این آیین را بدعتی درخور مجازات می‌شمارند و علت آن هم کارکرد مختلف این فرقه برای کشورهای غربی و شرقی است.

همین امر نشان می‌دهد که مسأله تعریف، فعالیتی صرفاً دانش‌پژوهانه نیست چه که تأثیر مستقیمی بر زندگی روزمره مردم و حقوق مدنی آنها دارد (آلدريج ۲۰۰۷، صص ۲۱-۱۷). بنا براین، جامعه‌شناسان دین باید مراقب باشند تا تعاریف "ارزش‌گذارانه" از یک جنبش با "تعاریف توصیفی" خلط نشود؛ در غیر این صورت، ادیانی را که تصدیق می‌کنند "اصیل" و آنهایی را که انکار می‌کنند "جعلی" می‌شمارند. (بارکر ۱۹۹۴، ص ۱۰۹).

اهداف معنویتهای نوین

چند هدف از تعریف جنبش‌های معنوی نوین در نظر هستند. نخست این که همه جنبش‌های دینی برآمده از ادیان دیگر را شامل شود. یعنی انواع کلیساهای مسیحی که امروزه در دنیا فعال شده‌اند، معابد و مراکز آموزشی که بوداییان در سراسر جهان تأسیس کرده‌اند و همچنین حرکت‌هایی که هندو ها، پیروان تائو و شیئتو و یهودیان دارند، در این تعریف بگنجد. حرکت‌هایی که در درون ادیان دیگر صورت گرفته گاهی در

حد تغییرات ساده ای است که حتی پیروان و روحانیون آن ادیان می پذیرند مثل کویکرها که فرقه ای از پروتستان ها هستند، اما گاهی بسیار رادیکال عمل می کنند، به طوری که نهادهای رسمی دین مادر هم آنها را نمی پذیرند نظیر فرقه شهود یهوه (شاهدان یهوه).

معنویتهای دین پایه و دین ستیز و التقاطی

این معنویتها گاهی از این هم فراتر رفته و کلاً سرفصل تازه ای را در دین اصلی می گشایند و مثل ویساریون ها به نوعی آن را تبدیل به دین دیگری می کنند. آنها با ادعای فردی به نام ویساریون که خود را مسیح معرفی می کند به دور او جمع شده و زندگی متفاوتی را آغاز کرده اند. بهائیت، جنبش آل یاسین و عرفان حلقه هم در دنیای اسلام چنین وضعیتی دارند. بعضی از این جنبش ها که به تغییر دین دست می زنند با تلفیق و التقاط آموزه های ادیان مختلف چنین کاری می کنند مثل رام الله در ایران و یوگاناندا در هند. البته ممکن است خود این افراد ادعای دین آوری نداشته باشند یا دست کم این ادعا را به طور عمومی اعلام نکنند. در موارد دیگری اساساً بدون نسبت با ادیان اصیل یک دین نوین از آغاز تأسیس می شود نظیر سایتولوژی (مکتبی که اصالت را به علم تجربی می دهد).

آخرین هدف که از این تعریف داریم این است که سنت های کهن معنوی و دینی را خارج کند و حرکت های جدید را پوشش دهد. از جمله صوفیان و دراویش را که به شیوه های سنتی در جامعه زندگی می کنند خارج سازد و در مقابل جریان های مدعی تصوف که خود را با شاخص های جمن ها (جنبشهای معنوی نوین) تطبیق داده اند و یا بر اثر تغییرات زندگی امروزی در باورها و آیین های خود تحول ایجاد کرده اند، شامل شود. بنابراین تعریف مورد نظر فرقه دراویش گنابادی را در وضعیت کنونی که از سنت های خودشان عدول نکرده اند در بر نمی گیرد، ولی برخی از شاخه های اهل حق و نوربخشیه را در بر می گیرد.

امر مقدس هیچگاه ایستا نیست بلکه همیشه کم و بیش در حال تحول است. امر مقدس هم به بستر اجتماعی خود شکل می دهد و هم از آن تأثیر می پذیرد. در سراسر تاریخ و در همه فرهنگها جنبش های اصلاحی شکل گرفته، کانون های فکری جدیدی پدیدار شده، آرای عرفانی نوینی ظهور کرده، بنیادگرایی سر بر آورده و صورت های کهن دینی دیگرگون شده است. به عبارت دیگر، فرقه ها، جنبش های دینی، ادیان جدید و معنویتهای بدیل همواره جزئی از تاریخ امر مقدس بوده اند. هرگاه افراد و جوامع بر اثر رویارویی با دیگر فرهنگها و تغییرات اجتماعی و فشارهای روان شناختی با چالش های جدیدی روبرو شده اند تحولات دینی مهمی رخ داده است.

آمار معنویتهای نوین

. در دنیای معاصر بیش از سی هزار دین، جنبش دینی، فرقه و معنویت نوین وجود دارد که افرادی از پیشینه‌های گوناگون و بنا به دلایلی متفاوت به آنها پیوسته‌اند.

نقش سکولاریسم و لائیسیتِه

برخی از پژوهشگران بر این باورند که این تکرر پاسخی به بسط و توسعه جهانی فرهنگ غربی مک‌دونالدی سکولار عقلانی است (رابرتس ۲۰۰۴، ص ۱۹۶). زمانی ظهور جنبش‌های دینی و معنویت‌های نوین را پیامد سکولاریزاسیون و حاکی از کاهش باور به عناصر ماوراءالطبیعی می‌دانستند. اما اکنون اکثر جامعه‌شناسان عقیده دارند که بسیاری از مردم همچنان به پدیده‌های ماوراءالطبیعی باور دارند ولی شمار فزاینده‌ای از آنها از دین سنتی می‌گریزند.

به عبارتی، سکولاریزاسیون فرایندی خود-محدودکننده است که به احیا و نوآوری دینی و معنوی می‌انجامد. به نظر استارک و بینبرج، پیش از انقلاب علمی، ادیان نهادینه سنتی تنش اندکی با جامعه داشتند و جهان‌بینی آنها بخش انفکاک‌ناپذیری از فرهنگ عمومی جامعه بود اما با ظهور علم تجربی، ناسازگاری دعاوی این ادیان با علم تجربی نوین، تنش آنها با جوامع را به شدت افزایش داد. در نتیجه، راه برای ظهور ادیان جدید، جنبش‌های دینی نوین و معنویت‌های بدیل هموار شد (رادنی استارک و ویلیام سیمس بینبرج ۱۹۸۵، ۴۳۴-۴۲۹). پیدایش ادیان، فرقه‌ها و معنویات‌های نوین در یک صد سال گذشته بسیار بیشتر از قرون پیشین بوده است. جهانی‌شدن نه تنها به رشد ادیان، جنبش‌های دینی و معنویات‌های نوین یاری رسانده بلکه بر آگاهی جهانی از کثرت‌گرایی دینی افزوده است.

نقش سیاست و رژیم‌های سیاسی

به باور گوردون ملتون، پژوهشگر نامدار جنبش‌های دینی نوین، تنوع و تکرر دینی جوامع غربی از قرن بیستم به این سو از هنگام مسیحی شدن کنستانتین، امپراتور رم، بی‌سابقه بوده زیرا تکرر دینی معاصر، سلطه دیرپای مسیحیت را متزلزل ساخته است. در چنین شرایطی بسیاری از مردم از ادیان سنتی روی می‌گردانند و به معنویت‌های نوین روی می‌آورند (ملتون ۲۰۰۴). بی‌تردید یکی از مهم‌ترین تحولات یک صد سال گذشته پیدایش صورت‌هایی از باور و کردار شخصی و غیر نهادینه بوده است. امر مقدس همچنان حضور دارد ولی به طور فزاینده‌ای در قالب صورت‌هایی غیر سنتی تبلور می‌یابد. گریس دیوی این پدیده را "باور داشتن بدون تعلق داشتن" می‌خواند، یعنی همان ویژگی مهمی که معنویت را از دین متمایز می‌سازد (دیوی ۱۹۹۴).

در سراسر تاریخ و در همه فرهنگ‌ها جنبش‌های اصلاحی شکل گرفته، کانون‌های فکری جدیدی پدیدار شده، آرای عرفانی نوینی ظهور کرده، بنیادگرایی سر بر آورده و صورت‌های کهن دینی دیگرگون شده است. به عبارت دیگر، فرقه‌ها، جنبش‌های دینی، ادیان جدید و معنویت‌های بدیل همواره جزئی از تاریخ امر مقدس بوده‌اند (مارتین لوتر)

معنویت‌های بدون خدا و خود محور

برخلاف صورت‌های سنتی دینی، معنویت‌های نوین بر خویشتن خویش، طبیعت، یا خود زندگی تأکید می‌کنند. هر چند ممکن است که فرد پیرو این معنویت‌ها بعضی تعالیم سنتی را ارج گزارد اما در کل نسبت به مراجع سنتی، متون مقدس، نهادهای دینی و سلسله مراتب قدرت، سوءظن شدیدی دارد. بسیاری از افراد از "دینی" می‌گریزند که به امری بیرون از خویشتن (خدا، کتاب مقدس، نهاد دین، روحانیت) می‌پردازد و به "معنویتی" روی می‌آورند که بر خویشتن و امر شخصی و درونی تأکید می‌کند. بنا بر این، هر چند در ادیان بزرگ جنبش‌های عرفانی وجود دارد اما معنویت‌های نوین لزوماً به هیچ سنت دینی خاصی تعلق ندارند. ممکن است فرد پیرو این معنویت‌ها از آثار عرفای مسیحی یا متون بودایی یا تصوف الهام بگیرد اما این منابع الهام را نمی‌توان همچون کتاب مقدس یا قرآن مرجعی بیرونی شمرد. شاید رهرو معنویت‌های نوین در باب تعالیم مسیح، آرای تائو یا حتی اهمیت معنوی دلفین‌ها و بشقاب پرنده‌ها تأمل کند و مراقبه ورزد ولی در هر حال در راهی شخصی سلوک می‌کند که بر "خویشتن" متمرکز است و نه بر خدا و جهان.

پیدایش معنویت‌های نوین/بدیل/شخصی/زندگی، بخشی از تحول ذهنی انسان معاصر است. افراد ممکن است به گروه‌های خاصی تعلق داشته باشند، در طریقت مشخصی سلوک نمایند و به اصول معینی پایبند باشند اما در کل شاگردان مکتب فردگرایی معرفت‌شناختی اند که مراجعی ذهنی دارد، داور نهایی در امور مربوط به صدق دینی را جز خویشتن خویش نمی‌شمارند، و هادی و راهبر خود را وحی یا مرجعی بیرونی نمی‌دانند بلکه از مقتضیات معنوی نفس خود پیروی می‌کنند. عجیب نیست که بسیاری از معاصرین ما می‌گویند معنوی اند نه دین‌دار زیرا دین را با سلسله مراتب نهادی، سنت و مراجعی بیرون از نفس انسان، همچون خدا(یان) و متون مقدس، یکسان می‌شمارند و در مقابل، معنویت را با زندگی به مثابه امری مقدس، بهروزی درونی و خویشتن خویش همانند می‌دانند.

معنویت‌های نوین و فرهنگ‌های بومی

به نظر آنها، اولویت با خدمت به نفس خویشتن است نه بندگی درگاه الهی. فرد همچون خریداری است که به سوپر مارکت کالاهای معنوی می‌رود و پس از جستجو در قفسه‌ها کالاهای گوناگونی از محصولات معنوی را در سبد خرید خود می‌گذارد بی‌آن‌که پیرو یک نظام اعتقادی خاص باشد. تأکید بر "انتخاب" ویژگی اصلی معنویت‌های نوین است. رهرو معنویت‌های نوین مصرف‌کننده‌ای پُست‌مدرن است که از صورت‌های دینی سلسله‌مراتبی، اقتدارگرا و انحصارطلب می‌گریزد. او در مقام فاعل مختار از هر گلستانی گلی می‌چیند و از هر بوستانی میوه‌ای. چنین است که برای خود هویتی چهل‌تکه می‌آفریند که هر جزئی از آن به فرهنگ خاصی تعلق دارد.

ترکیب و والتقاط ناچسب و ناهمگون

برخی جوانهای تهرانی پیرو معنویت‌های نوین در برابر مجسمه‌ای از بودا زانو می‌زنند که از فروشگاه‌های در بانکوک خریده‌اند، بوی دود عودی را استشمام می‌کنند که در پونا توسط پیروان سای بابا پرورش تهیه شده، هم‌زمان بر عباراتی از مسیح و اوشو و پاولوکوئیلو تأمل می‌کنند، به قوالی نصرت فاتح علی خان گوش می‌سپارند، سماع صوفیان طریقت مولویه در ترکیه را نظاره می‌کنند، نشان فروهر بر گردن می‌اندازند که ویژه زرتشتیان است، شلوارجین می‌پوشند که نماد فرهنگ غربی است، آش نذری می‌پزند که نماد فرهنگ مذهبی سنتی ایرانی است، سوشی می‌خورند که برگرفته از فرهنگ ژاپنی است، فیلم‌های کیشلوفسکی (لهستانی پدر مکتب اخلاقی رهایی) رامی‌بینند، به پاک‌سازی کوهستان می‌پردازند (فرهنگ محیط زیست و حقوق بشری غربی) و...

نتیجه

بسیاری از نودینان، نوکیشان و نومعنویون جهان را افراد بیست تا چهل ساله طبقه متوسط تشکیل می‌دهند که آینده کشور و ملت را تشکیل می‌دهند. شگفت نیست کشوری که نیمی از جمعیت آن را همین گروه سنی تشکیل می‌دهند، چنین نگران رشد فزاینده معنویت‌های نوین باشد. تکثرفکری، دینی و معنوی، باید با منافع ملی، فرهنگ بومی و آرمانهای تمدن هرملت سازگار باشد.